احمد خرم در گفت‌وگو با «شرق»:

هنوز اداره کشور جدی گرفته نشده است

هستی قاسمی: سرمایه اجتماعی موتورمحرکه هرجریان ریشه‌دار سیاسی در بزنگاه‌های خاص به‌ویژه انتخابات است. این در حالی است که هیچ‌یک از دو جریان سیاسی، برنامه و نقشه راه مشخصی برای بازگرداندن سرمایه ازدست‌رفته خود به‌واسطه عملکرد دولت دوازدهم روحانی و دولت‌های نهم و دهم احمدی‌نژاد ندارند؛ حتی بر این تصورند که سرمایه اجتماعی‌شان بر جای خود باقی است، فروپاشی آن وهمی بیش نیست و اساسا نباید تا قبل از انتخابات ریاست‌جمهوری سیزدهم درباره آن با شتاب‌زدگی قضاوت کرد. در چنین شرایطی، اصولگرایان که بیشترین سود را از مشارکت حداقلی مردم می‌برند، مانند همان امری که در انتخابات مجلس یازدهم تجربه شد، خود را از هم‌اکنون پیروز میدان می‌پندارند و روزی نیست که با کاندیدای جدید در رسانه‌ها عرض‌اندام نکنند؛ چون اطمینان دارند که قرار نیست انتخاباتی پرشور برگزار شود و مردم هم کمترین انگیزه‌ای برای آمدن پای صندوق‌های رأی نخواهند داشت؛ بنابراین کاهش سرمایه اجتماعی جریان اصلاحات که به واسطه عملکرد روحانی و تندروی مخالفان دولت دوازدهم، تبدیل به چالش جدی این جریان در انتخابات پیش‌رو شده، این پرسش اساسی را به وجود می‌آورد که قرار است اصلاح‌طلبان با چه طرح و برنامه‌ای وارد انتخابات شوند تا سرمایه اجتماعی خود را برای حضور در انتخابات ترغیب کنند؟ بر این اساس، «شرق» با احمد خرم، فعال سیاسی اصلاح‌طلب و وزیر راه دولت اصلاحات، درباره مسائل یادشده به گفت‌وگو نشسته است که در ادامه می‌خوانید.

رویدادهای بسیاری در دو سال اخیر رخ داده که برای اصلاح‌طلبان به‌عنوان حامی دولت دوازدهم گران تمام شده و به افول سرمایه‌های اجتماعی این جریان و ناامیدی بدنه اصلاح‌طلبان به خود انجامیده است؛ با این اوصاف، اصلاح‌طلبی را همچنان می‌توان به‌عنوان یک جریان پرنفوذ و تأثیرگذار در جامعه ایران، آن‌هم پس از این همه فرازوفرود دانست؟

اصلاح‌طلبی جریانی است که از ابتدای تاریخ ایران تا امروز جاری بوده است؛ به‌خصوص در دو سده اخیر مستمر بوده و تنها منحصر به یک دوره خاص نیست. این جریان اخیر نسل به نسل یعنی از قائم‌مقام اول، قائم‌مقام دوم، مشروطیت، انقلاب اسلامی تا جریانات سیاسی داخل کشور جاری بوده است. بر این اساس اصلاح‌طلبی همواره با فراز و نشیب‌های بسیاری در ایران مواجه بوده است؛ بنابراین اساسا این سخن را که اصلاح‌طلبی پس از انقلاب اسلامی رو به افول بوده و اخیرا حضورش کم‌رنگ شده و نمی‌تواند در صحنه مبارزات سیاسی حضور داشته باشد و تلاش کند، قبول ندارم. به عقیده من، اصلاح‌طلبی پس از انقلاب زنده شد. یک رئیس‌جمهور اصلاح‌طلب با گفتمان اصلاح‌طلبی روی کار آمد که هشت سال ریاست‌جمهوری را در دست داشت. او با این گفتمان جریانی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ایجاد کرد. در اینجا مثالی می‌زنم که نشان می‌دهد خاتمی تنها یک شخصیت سیاسی و فرهنگی نبود، بلکه چهره‌ای اقتصادی نیز بود. درحالی‌که اقتصاددان نبود، اما تیم اقتصادی قوی‌ای داشت. حرکت توسعه کشور که بر سیستم بانکی ناکارآمد سوار بود و توسعه کشور را که به بن‌بست رسیده بود، سامان داد. رئیس دولت اصلاحات با تمام توان خود حرکت توسعه را بر بازار سرمایه سوار کرد و بازار سرمایه را رونق داد. او با برگزاری جلسات متعدد با صاحبان صنعت، دانش، تکنولوژی، تجارت، خدمات، کشاورزی و سازندگان، بازار کم‌رونق سرمایه را توسعه داد. بیش از ۵۰ میلیون نفر از جمعیت ۸۳ میلیونی ما، سرمایه‌های خرد، متوسط و بزرگ خود را به بازار بورس انتقال دادند. امروز بورس در کنار ارز، ملک، طلا، خودرو و لوازم خانگی به‌عنوان یک فعالیت سرمایه‌گذاری مطرح و شناخته‌شده است. در کشوری که مبنای حرکت اقتصادی آن دلالی و سوداگری است، از یک سو اقتصاد دلالی و از سویی دیگر اقتصاد دولتی در کشور جاری است، وقتی اصل ۴۴ مطرح می‌شود و خصوصی‌سازی اوج می‌گیرد، بیش از ۹۰ درصد واحدهای دولتی که واگذار می‌شود به شرکت‌های نیمه‌خصوصی، دولتی و نیمه‌حاکمیتی واگذار می‌شود و واگذاری‌های بخش خصوص فراموش می‌شود. در آینده شاهد شکوفایی این جریان که در واقع در دولت اصلاحات پا گرفت، خواهیم بود؛ بنابراین معتقدم گفتمان اصلاح‌طلبی به دلیل برخی تغییرات و فرازوفرودها از بین نخواهد رفت.

اما با وجود این، عده‌ای بر این عقیده‌اند که به دلیل برخی رخدادها در سال‌های گذشته، اصلاح‌طلبی مثل اصولگرایی به پایان راه رسیده و دیگر نمی‌تواند به‌خصوص در انتخابات‌ها، تأثیرگذار باشد و جامعه را مانند گذشته به صحنه بکشاند.

به عقیده من، اصلاح‌طلبی در همه ادوار فرازوفرودهایی داشته و همواره در کشور جاری بوده است. برخی از اتفاقات نمی‌تواند دلیلی بر پایان راه اصلاح‌طلبی باشد. مردم در ۱۵ سال اخیر، دوران سختی را پشت سر گذاشته‌اند. در سال‌های گذشته به دلیل تحریم، سوءمدیریت و سوءاستفاده‌هایی در همه ابعاد فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی وجود داشت، اما امروز دولت پرچم مبارزه با فساد اقتصادی را به دست گرفته است؛ چراکه سوءاستفاده‌ها در سال‌های گذشته کشور را دچار بحران کرده و زندگی را برای مردم، تولیدکنندگان و ارائه‌دهندگان خدمات مولد سخت کرده است. در آینده می‌بینیم که با رفع چند مورد از تحریم‌ها، جامعه در بُعد اقتصادی جهش خواهد کرد. اگر نقشه راه به نحو مطلوبی طراحی و از مدیران سالم و کارآمد استفاده شود، جامعه با یک جهش اقتصادی، اجتماعی و موفقیت سیاسی مطلوب روبه‌رو خواهد شد؛ جامعه‌ای که با وجود فشارهای سنگین اقتصادی همچنان سرپا ایستاده و در مسیر توسعه حرکت کرده است. در صورت لغو تحریم‌ها و بهبود اوضاع اقتصادی، مردم می‌توانند نفسی تازه کنند؛ بنابراین نباید مأیوس شد و باید در عرصه فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با دید اصلاح‌طلبانه حضور داشت و صحنه را خالی نکرد و زمینه را برای رقابت سنگین و مشارکت حداکثری مردم در انتخابات فراهم کرد. جریان اصلاحات، به‌ویژه اکنون با توجه به فرصت تغییرات در روابط بین‌الملل و بازشدن مسیر گفت‌وگو و مذاکره که در حال وقوع است، باید زیرکانه‌تر و با نقشه راه قوی‌تری وارد صحنه شود. در نهایت باید گفت که بوی بهبود ز اوضاع جهان می‌شنوم.

آقای مهندس مسئله مسلم آن است که خواه‌ناخواه سرمایه اجتماعی که سوخت محرک حرکت اصلاح‌طلبانه است، به صورت دامنه‌داری دچار افت شده است. اگرچه برخی از اصلاح‌طلبان این مسئله را برنمی‌تابند؛ اما در یک نگاه واقع‌بینانه باید گفت در دو سال اخیر این اتفاق تا حدود زیادی افتاده است. اکنون اصلاح‌طلبان از چه طریق و با چه راهکاری می‌توانند به احیای سرمایه‌های اجتماعی خود و ترغیب آنها برای حضور در انتخابات بپردازند؟

رویدادهای پیش‌رو می‌تواند به احیای سرمایه‌های اجتماعی کمک کند. لغو بخشی از تحریم‌ها و بهبود اوضاع می‌تواند در بازگرداندن سرمایه اجتماعی مؤثر باشد. نکته مهم این است که ما با جریانی در آمریکا مواجه بودیم که خودمحور، فردگرا و خشونت‌طلب بود و با جریانی مواجهیم که منطقی‌تر و رفتارهای سیاسی‌اش حساب‌شده‌تر است. بوش و ترامپ جمهوری‌خواه تلاش‌های بسیاری کردند تا تحریم‌های بین‌المللی و اجماع جهانی علیه ایران رقم بخورد و موفق نشدند؛ اما اوبامای دموکرات توانست چنین اجماعی علیه ایران ایجاد و تحریم‌های بین‌المللی را علیه ایران برقرار کند. جامعه جهانی با دموکرات‌ها بیشتر از جمهوری‌خواهان همراهی می‌کند. اصلاح‌طلبان باید سرمایه اجتماعی متفرق را جمع کرده و در راستای انسجام بیشتر سرمایه‌های اجتماعی حرکت کنند؛ البته این خود مستلزم آن است که معتمدان، دلسوزان، عاشقان ایران و مردم از برخوردهای خشن، حذفی و تخریب یکدیگر بپرهیزند. در عرصه رقابت هر دو جریان سیاسی باید برگه آس خود را رو کنند. هر فردی که از راه رسید، نباید وارد عرصه رقابت شود؛ بلکه رقابت باید میان آس‌ها باشد و برگ‌های آس مدیریتی مظاهر اخلاقی، فردی و اجتماعی در عرصه رقابت به میدان بیاید. این مهم نیز مستلزم آن است که همه کشور وارد عرصه انتخابات شوند و دو جریان سیاسی همه موجودی خود را در طَبَق اخلاص قرار دهند. یک انتخابات آزاد، سالم و رقابتی برگزار شود که به تحکیم اقتدار کشور بینجامد؛ انتخاباتی که پایه حرکت سنگین توسعه همه‌جانبه، پایدار و پایه اقتداری برای شکستن تحریم‌ها خواهد شد. همچنین باید در عرصه بین‌الملل حضور بسیار پررنگ‌تری داشته باشیم. ادامه وضعیت کنونی تنها به حذف، تخریب و ازدست‌دادن بیشتر سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی می‌انجامد. همان‌طورکه اکنون هم بسیاری از سرمایه‌های اجتماعی کشور را از دست دادیم؛ برای مثال آمار مهاجرت نشان می‌دهد که بیش از شش میلیون فرد تحصیل‌کرده در خارج از کشور داریم و در داخل هم سرمایه‌های اجتماعی رو به افول گذاشته است. باید کمی اندیشید و به باور اینکه موتور حرکت عشق‌ورزیدن است، عشق‌ورزیدن به کار سازنده، اعتلای کشور و عشق‌ورزیدن به مردم، اقدامات بزرگ و تأثیرگذار انجام داد. به قول حضرت حافظ: «زاهد ار راه به رندی نبرد معذور است/ عشق کاری است که موقوف هدایت باشد». در بیت دیگری حافظ می‌گوید: «ناز پرورد تنعم نبرد راه به دوست/ عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد». عشق به مردم و کار و اعتلای کشور در فرهنگ این مرزوبوم موج می‌زند و موتور حرکت برای بهبود اوضاع است. «اگر غم لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد/ من و ساقی به هم سازیم و بنیادش براندازیم».

در هفته‌های گذشته شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان در جلسه‌ای با احزاب اصلاح‌طلب اعلام کرده که این جریان در انتخاباتی آزاد، رقابتی و قانونی شرکت کند. اساسا در مقایسه با انتخابات قبل گمان می‌برید که شورای نگهبان به گونه‌ای عمل می‌کند که انتخابات پیش‌رو انتخاباتی رقابتی و آزاد باشد؟

در گذشته با مسئله انتخابات ضعیف برخورد شده؛ اما اکنون شرایط ویژه است. در واقع اگر انتخاباتی رقابتی و آزاد نداشته باشیم و به دنبالش یک دولت سالم، مقتدر و کارآمد نداشته باشیم، آسیب‌های بسیاری خواهیم دید. در واقع کشور از بحران به سمت بن‌بست می‌رود. دراین‌صورت کشور را از بن‌بست خارج‌کردن امری دشوار است. روشنفکران و اصحاب اصلاحات باید همه سرمایه‌های اجتماعی را متوجه شرایط خاص این دوران داخلی و روابط بین‌المللی کنند و درست است که زندگی برای مردم سخت شده؛ اما در این شرایط باید برای حضور در صحنه، انسجام سرمایه‌های اجتماعی و بسیج عمومی تلاش کرد. به وضعیت مسکن که ۸۰ درصد سرمایه خانواده‌های ایرانی است، توجه کنید. در سال ۸۹-۹۰ مسکن مهر با متری ۳۰۰ هزار تومان سود برای پیمانکار مقرون‌به‌صرفه بود و سازنده متری ۳۰، ۴۰ هزار تومان سود می‌برد. اکنون پس از ۹ سال سخت همان مسکن مهر با متری ۶۰ میلیون تومان برای سازنده سودی ندارد. قطعا اکنون قیمتش از شش میلیون تومان بیشتر می‌شود. یک واحد ۹۰متری یک میلیارد تومان خریدوفروش می‌شود؛ درحالی‌که قشر ضعیف جامعه دریافتی کمتر از چهار میلیون تومان در ماه دارند. برای دهک‌های پایین جامعه خانه‌دارشدن خواب و خیال و آرزوست؛ به‌همین‌دلیل نباید به همین منوال کشور را اداره کرد. مردم سالانه ۹۰۰ تا یک میلیون واحد مسکن نیاز دارند. در سال گذشته این عدد به ۳۰۰ هزار واحد رسیده است. از ۹۰۰ هزار یک‌سوم آن تولید شده و دوسوم آن انباشت تبدیل به تقاضا شده است. به‌همین‌دلیل باید مسئولان با کمک یکدیگر این مشکلات را حل کنند. مردم در تمام نیازمندی‌های‌شان در فشار طاقت‌فرسا هستند.

مردم در سال ۹۶ به روحانی رأی دادند که مسائل ایران در حوزه بین‌الملل و مشکلات اقتصادی در داخل حل شود؛ اما این اتفاق نیفتاد، ازاین‌رو دلسردی مردم به‌ویژه بدنه جریان اصلاحات از صندوق رأی به چالش جدی اصلاح‌طلبان در انتخابات پیش‌رو تبدیل شده است. در چنین شرایطی حضور اصلاحات در انتخابات چه ضرورتی دارد؟

برای حضور باید در صحنه رقابت و انتخابات بود؛ سخن خاتمی و همه افرادی که به اصلاح‌طلبی باور دارند، همین است. نباید به خاطر عملکرد مقطعی یک دولت و مجلس، جامعه نسبت به صندوق‌های رأی دچار یأس شود. یأس و ناامیدی لطمات سنگینی به جامعه و کشور وارد می‌کند. باید در صحنه بود و این امر را پذیرفت که حرکت اصلاح‌طلبانه حرکتی طولانی‌مدت و پایدار است و باید طرحی نو درانداخت. دلسوزان و عاشقان این مرزوبوم و عاشقان خدمت به مردم اجازه نخواهند داد که شرایط به همین منوال ادامه پیدا کند.

بر فرض اگر اصلاح‌طلبان کاندیدای رقابتی نداشته باشند یا در صورت وجود کاندیدا آن کاندیدا در شأن جریان اصلاحات نباشد، در چنین شرایطی ممکن است اصلاح‌طلبان خود نخواهند در انتخابات شرکت کنند؟ اساسا این عدم حضور اگرچه حتی به صورت غیرمستقیم، می‌تواند موجب نگاه بد از سوی حکومت به جریان اصلاحات شود؟

تصمیم‌گیری برای عدم حضور آن‌هم در صورت نبود کاندیدای اصلح، گام بعدی اصلاح‌طلبان خواهد بود. اما به‌هرروی گام نخست این است که جریان اصلاحات در صحنه حضور داشته باشند. اگر بر اساس چارچوب قانون اساسی انتخاباتی رقابتی و آزاد برگزار شد، در این صورت اصلاح‌طلبان محکم‌تر از قبل در صحنه حضور خواهند یافت. در صورت عدم برگزاری انتخاباتی آزاد که می‌توان از وضعیت بررسی صلاحیت‌ها و برخورد حذفی به آن پی برد، در آن زمان می‌توان درباره عدم حضور جریان اصلاحات در انتخابات تصمیم گرفت. شرایط را باید دید و چالش‌ها را مدنظر قرار داد و راهکار و بایدها و نبایدها را منطبق با چالش‌های موجود آن زمان ارائه داد و همچنین «چه باید کرد» را روشن کرد و سپس باید گفت که اصلاح‌طلبان از کجا آغاز کنند و گام‌های اول و دوم و... چیست. به‌هرروی، حرکت اصلاح‌طلبانه مداوم، منطقی، گام‌به‌گام با حفظ اصول و مبانی اصلاح‌طلبی حرکت‌کردن است.

مجلس اخیرا مصوبه‌ای تصویب کرده که طی این مصوبه نامزدهای ریاست‌جمهوری که سابقه اقامت در کشورهای خارجی را دارند، نباید در انتخابات شرکت کنند، آیا این مصوبه به مفهوم مهندسی انتخابات و حذف افرادی خاص از صحنه است؟

تحت شرایطی برخی در خارج از کشور برای ادامه تحصیل و کار اقامت پیدا می‌کنند و بعد هم به کشور بازمی‌گردند. اگر فرد بنا بر ضرورت‌هایی در خارج از کشور اقامت داشته باشد و بخواهد به کشور برگردد، چنین قانونی جای سؤال دارد و غیرمنطقی است.

برخی بر این اعتقادند که مجلس با این مصوبه درصدد است که به نحوی رقبای قالیباف را از صحنه حذف کند. یکی از این رقبا که می‌تواند برای قالیباف دردسرساز باشد، لاریجانی است؛ آیا دلیل مهندسی انتخابات آن‌هم با چنین مصوبه‌ای با نیل به این هدف صورت نگرفته است؟

اکنون نمی‌توان در این رابطه چندان قضاوت کرد اما آنچه مسلم است، افراد زیادی آمادگی خود را برای حضور در انتخابات اعلام کرده‌اند و کت‌وشلوار کاندیداتوری‌شان را پوشیده‌اند. به‌هرروی باید بزرگان سیاسی و روشنفکران فرهنگی کشور بنشینند و مردم را به مسیری ببرند که یک انتخاب اصلح صورت بپذیرد. مطلوب نیست که کاندیدای ریاست‌جمهوری از حد شمارش خارج شود. به نظر می‌رسد که هنوز اداره کشور جدی گرفته نشده است. کشور نیاز به مدیر توانمند، سالم و کارآمد برای مدیریت در سطح ریاست‌جمهوری دارد. مردم هم آمادگی یافتن اصلح را دارند درصورتی‌که حذفی برخورد نشود و انتخابات آزاد و رقابتی باشد، شرایط را باید سهل گرفت و هرکس که شرایط را برای کاندیداتوری دارد، باید آزاد باشد که کاندیدا شود. مردم و تشکل‌های سیاسی، فرهنگی، احزاب و ان‌جی‌اوها غربالگری را خود می‌دانند. نامزدها باید شرایط را در خود جهت کاندیداتوری ببینند و بعد برای این امر اقدام کنند. دو جریان سیاسی اصلاحات و معتدلین اصولگرا باید با یکدیگر بنشینند و درباره مصلحت کشور به یک راهکار کارآمد و اساسی برسند. شرایط ویژه است و هنوز مشخص نیست چه گشایش‌های بیرونی ایجاد شود و در داخل چه نقشه راهی برای حرکت داریم. چه باید کرد در هاله‌ای از ابهام است. هیچ‌یک از این کاندیدها راه‌حلی برای بهبود اوضاع و ایجاد تحول در کشور ندارد. درحالی‌که نمی‌توان بدون راه‌حل، طرح، برنامه و نقشه راه کاندیدای ریاست‌جمهوری شد. جامعه را نمی‌توان بدون برنامه اداره کرد. بزرگان کشور باید برای خروج از این وضعیت که مردم را این‌چنین تحت فشار قرار داده چاره‌ای بیندیشند.

به عنوان سؤال پایانی، چه چشم‌اندازی با توجه به رویدادهای سال‌های گذشته و اتفاقات پیش‌رو در سپهر سیاسی ایران مشاهده می‌کنید؟ آیا می‌توان همچنان به ایرانی توسعه‌یافته و بدون تحریم امیدوار بود؟

به روال گذشته حرکت‌کردن کشور را از بحران خارج نمی‌کند. پس از ۴۱ سال هنوز بر اساس سلیقه مدیران‌مان و نه بر اساس سندهای مطالعه‌شده توسعه حرکت می‌کنیم. هنوز پس از ۴۱ سال طرح آمایش سرزمینی و کالبد ملی نداریم. طرح‌های جامع و توسعه‌بخش نداریم.

ادامه در صفحه ۴

ادامه از صفحه اول

ابهام بیشتر برای شرایط نامزدی ریاست‌جمهوری

بند ۵ صداقت در گفتار و رفتار با بررسی گزارش‌ها و ارائه آمارها از مسئولیت‌های گذشته نامزد انتخابات است. حالا اگر مسئولی با برنامه‌ای آمده و به دلایل متعدد نتوانسته برنامه خود را اجرائی کند، مصداق عدم صداقت است؟ گویی مردمی که می‌خواهند رأی بدهند، فاقد درک هستند که صداقت در گفتار را تشخیص دهند. اگر ناظر بر انتخابات قرار باشد مسئول سنجش صداقت در گفتار و عدالت در رفتار شود، این به‌جز با اتکا به رأی و سلیقه فردی و گروهی چگونه قابل انجام است؟ مصداق‌های رجل سیاسی نیز جالب است؛ عملکرد شفاف در برابر جریان‌های غرب‌گرا و واگرا و فتنه‌های بعد از انقلاب! این آدرس‌ها به کجا داده می‌شود؟ یعنی به کسانی رأی بدهید که دارای خط فکری مشخص و منطبق بر نظرات خاص باشند. به نظر می‌رسد برخی افراد که روی صندلی مجلس نشسته‌اند، نمی‌دانند قانون یعنی چه. حداقل همین حقوق‌دانان اصولگرا به آنها بگویند در متن قانون نمی‌شود از این عبارت‌های مبهم و تفسیرپذیر استفاده کرد. این قانون عادی، با عنایت به پیشینه عملکرد شورای نگهبان، می‌رود تا به یکی از متون مقدسه جناح اصولگرا تبدیل شود که دیگر با هیچ سازوکار عرفی و قانونی تغییرپذیر نباشد و از اصول قانون اساسی نیز مهم‌تر و محکم‌تر شود؛ همچنان که نظارت استصوابی چنین سرنوشتی داشت. در قانون اساسی حرفی از نظارت استصوابی نیامده است؛ این قانون به شکل یک اصلاحیه بر قانون انتخابات، مصوبه مجلس چهارم بود و بسیار عجولانه و در شرایط خاص تصویب شد و بعد از آن باعث عملکردهای انتقادبرانگیز ناظران شد. مجالس بعدی و به‌ویژه مجلس ششم، در عمل نتوانستند این بند از قانون انتخابات را اصلاح کنند. وقتی انتقادهایی از اعمال نظارت استصوابی می‌شد، آقایان اعضای شورای نگهبان می‌گفتند قانون است و مجلس اصلاح کند؛ اما در پی اصلاحیه‌ای که دولت دوم اصلاحات، معروف به لوایح دوقلو، به مجلس داد، شورای نگهبان در ذیل بحث‌های مرتبط با معیارپذیرکردن احراز صلاحیت یا عدم صلاحیت، به‌شدت با هر نوع اصلاحی مخالفت کرد و همه راه‌ها را بست. قانون‌هایی از این دست واقعا دست‌وپاگیر کشور می‌شود و امکان هر نوع اصلاح و تغییر قانونی و منطبق بر تحولات اجتماعی را سلب می‌کند. تصویب این قانون واقعا جای نگرانی دارد؛ هرچند بعید می‌دانم این انتقادها راه به جایی ببرد. تنها نهادی که می‌تواند در مسیر اصلاح آن قدم بردارد، شورای نگهبان است که تصور نمی‌کنم از این مصوبه مجلس اصولگرا چندان ناراضی باشد. مجلس به‌ظاهر مدعی است که می‌خواهد از دو واژه سیاسی و مذهبی به‌عنوان صفات کاندیدای واجد صلاحیت رفع ابهام کند، ولی در فرایند این رفع ابهام، ده‌ها واژه و عبارت مبهم آورده که شرایط نامزدی انتخابات ریاست‌جمهوری را بسیار دشوارتر می‌کند. خدا رحم کند!

گذار به سوی کشورداری ضرورت گریزناپذیر

نامزدها در این میانه، مشترکا با نکوهش و زیرسؤال‌بردن عملکرد دولت مستقر، تبری از «این‌همانی» با دولت دوازدهم و تصویرسازی از کشور مورد انتظاری که در صورت جلوس بر صندلی ریاست‌جمهوری برای مردم خواهند ساخت و به‌راحتی با اشراف دقیق به نارسایی‌ها و دردها، اغلب معضلات کشور (در حوزه اقتصای، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی) را رفع و رجوع خواهند کرد، در حال گسترش حلقه‌های مختلف هم‌پیمانان و هواداران خویش به‌ویژه در فضای رسانه‌ای و مجازی‌اند؛ چراکه می‌دانند برای رسیدن به کرسی ریاست‌جمهوری این بار ابتدا باید فضای مجازی را فتح کرد! آن‌طور که از شواهد امر (حداقل تا به امروز) پیداست، همانند انتخابات اسفند ۱۳۹۸، بسیاری از مردم به سبب تکرر و تداوم ناکامی و ناامیدی از صندوق رأی برای ایجاد تغییر در کشور، در کمپین هشتگ من رأی نمی‌دهم، قرار دارند و ترجیح می‌دهند به جای ایفای نقش فعال به‌عنوان یک کنشگر انتخاباتی، منفعل باشند. در حقیقت با وجود همه انکارها و لاپوشانی‌ها، با تخریب تدریجی سرمایه اجتماعی نهاد دولت در ایران (با میدان‌داری رسانه ملی)، بخش درخورتوجهی از مردم دیگر به کفایت و درایت نهاد دولت (به مفهوم State) برای اداره امور کشور امید چندانی ندارند. سهم زیادی از ایجاد این باور در بین مردم ریشه در نمایش بداخلاقی‌ها، تندروی‌ها، ناکارآمدی‌ها و از همه مهم‌تر سوءاستفاده‌های سیاسیون و وابستگان آنها از قدرت دارد. ازاین‌رو است که بخش درخورتوجهی از جامعه با این پیش‌فرض که ایران کشور ثروتمندی بوده که در هر گوشه از خاک آن گنجی قرار دارد، بر این باور هستند که دولتمردان تنها در راستای منافع شخصی، خانوادگی و حزبی عمل کرده و دستور کاری برای کارکردن در راه خلق‌الله ندارند. سؤال مهم اینجاست که آیا این تلقی و باور گسترده در بین عموم با واقعیت همخوان است؟ و از آن مهم‌تر اساسا چرا دولت‌ها نتوانسته‌اند مسائل کشور را رفع و رجوع کرده و در راستای رضایت عمومی و رفاه همه‌جانبه گام بردارند؟ هرچند شاید برای کسانی که در خارج از سیستم دولتی فعالیت می‌کنند، این واقعیت چندان باورپذیر نباشد؛ اما همه دولت‌ها در چهار دهه اخیر با هدف اعتلای کشور، نجات کشور از مصائب و نارسایی‌ها و قراردادن کشور در مسیر پیشرفت پا به عرصه گذاشته‌اند و هیچ‌یک در پی تخریب کشور و وادادگی نبوده‌اند. سؤال مهم اینجاست که پس مشکل دقیقا کجاست و چرا بین تلقی عمومی و واقعیت تفاوت بسیار زیاد است. ریشه این مصائب بزرگ را با وجود همه داستان‌بافی‌های رسانه‌ای و بازی قدرت خواص برای اغفال جامعه، باید در پنج خطای اصلی دانست: خطاهای بینشی، شناختی، تحلیلی، سیاست‌گذاری و اجرا. خطای بینشی؛ در قالب قرارگیری در تله «دوگانه‌سازی‌های دوگانه‌سوز» و عدم...

ادامه در صفحه ۴

خبر

روحانی در جلسه ستاد هماهنگی اقتصادی:

سرمایه‌گذاران احساس ناامنی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نکنند

● **ایسنا:** رئیس‌جمهور در جلسه ستاد هماهنگی اقتصادی با بیان اینکه رشد سرمایه‌گذاری در هر کشور از مهم‌ترین مؤلفه‌های توسعه و شکوفایی اقتصاد آن است، افزود: ازبین‌بردن انگیزه‌های خروج سرمایه از کشور و تشویق جذب سرمایه از خارج کشور، دو گام اساسی در توسعه پایدار و استحکام اقتصاد کشور است.حسن روحانی، امنیت و اعتماد متقابل دولت و بخش خصوصی را رکن بزرگ و اساسی در جذب سرمایه خواند و افزود: هیچ سرمایه‌گذاری که به طور قانونی در کشور سرمایه‌گذاری می‌کند، نباید در فرایند مشارکت خود در توسعه کشور احساس ناامنی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کند. او هدف دشمن را از تحریم‌ها، جلوگیری از سرمایه‌گذاری در توسعه زیرساخت‌ها و پیشرفت کشور دانست و عنوان کرد: دولت همواره تلاش کرده با حذف و اصلاح قوانین و مقررات دست‌وپاگیر و اصلاح بوروکراسی آسیب‌زا زمینه جذب سرمایه را فراهم و از این طریق هم تحریم‌ها را خنثی کرده و هم هدف جهش تولید و ارتقای شاخص‌های اقتصاد مقاومتی را محقق کند. رئیس‌جمهور با تأکید بر ضرورت انجام صحیح وظایف و مأموریت‌های وزارتخانه‌های مرتبط با حوزه سرمایه‌گذاری، گفت: باید با ایجاد مشوق‌های مستقیم و غیرمستقیم اقتصادی و تدوین قوانین شفاف در فرایند اخذ مجوزها، سهم این مؤلفه اقتصادی را در کشور سرعت و توسعه بخشید. روحانی با بیان اینکه ممانعت از خروج سرمایه از کشور صرفا با وضع قوانین و اقدامات سلبی تحقق‌پذیر نیست، افزود: دولت از آن دسته از سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی که در حوزه اقتصاد مولد سرمایه‌گذاری انجام می‌دهند، به شکل ویژه حمایت کرده و مشوق‌هایی را برای سرمایه‌گذاران و اطمینان از امنیت و سودآوری سرمایه آنان در نظر گرفته است. او، سیاه‌نمایی و عملیات روانی تخریبی در بخش اقتصاد از جمله در بازار بورس و نوسانات ارزی را با هدف دلسردی و انفعال بخشی از جامعه سرمایه‌داران و فعالان اقتصادی دانست و عنوان کرد: اتکا به توان داخلی منوط به وجود اعتماد و امنیت لازم برای فعالان عرصه اقتصاد است که می‌تواند آثار تحریم را کاهش دهد و خنثی کند.

اسحاق جهانگیری:

صنعت نفت و گاز بیشترین فشارها را در دوره تحریم متحمل شد

● **ایرنا:** معاون‌اول رئیس‌جمهوری در نشست کارگروه رفع موانع جهش تولید با اشاره به گزارش ارائه‌شده از عملکرد وزارت نفت برای تحقق جهش تولید، این گزارش را مثبت ارزیابی کرد و ادامه داد: بخش نفت و گاز و پتروشیمی از اهمیت فراوانی برای توسعه کشور برخوردار است؛ به‌طوری‌که می‌توان گفت توسعه کشور باید درباره صنعت نفت شکل بگیرد.اسحاق جهانگیری عنوان کرد: در دوران فشارها و تحریم‌های ظالمانه، صنعت نفت بیشترین فشارها را در بخش تولید و صادرات متحمل شد؛ اما با اتکا به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و توانمندی کارشناسان و مدیران این صنعت، بخشی از این فشارها و کاستی‌ها جبران شد. او با قدردانی از عملکرد وزارت نفت و برنامه‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت صنعت نفت و گاز و پتروشیمی، از وزارت نفت خواست موانع اصلی پیش‌روی جهش تولید و تحقق برنامه‌های خود را احصا و در یکی از جلسات آتی ارائه دهد تا تصمیمات لازم برای رفع این موانع اتخاذ شود. در این جلسه که وزیر امور اقتصادی و دارایی، رئیس کل بانک مرکزی و رئیس اتاق بازرگانی تهران نیز حضور داشتند، وزیر نفت گزارشی از عملکرد و برنامه‌های این وزارتخانه برای تحقق جهش تولید ارائه داد.

شرکت ملی پالایش و پخش
شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران منطقه آبادان

آگهی تجدید مناقصه عمومی یک مرحله ای

شماره مجوز: ۵۸۶۵-۱۳۹۹

نوبت اول

مناقصه گزار: شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه آبادان
موضوع مناقصه: اصلاح سیستم میترینگ و لینک شدن به اتاق کنترل دیسپچینگ انبار نفت جدید ماهشهر (۹۱۰۱۰۴)
برآورد: ۱۱۹۴۱۴۹۱۶۷۲ (یازده میلیارد ونهصد وچهل ویک میلیون وچهارصد و نود ویک هزار و ششصد و هفتاد و دو) ریال
نوع و مبلغ تضمین فرآیند ارجاع کار: ارائه رسید وجه مبنی بر واریز مبلغ ۵۹۷۰۰۰۰۰۰ (پانصد و نود وهفت میلیون) ریال به حساب جاری ۹۲۰۰۰۴۰۲۸۷ بانک ملت به شناسه پرداخت ۴۰۲۴۰ به نام شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه آبادان یا با ارائه هر نوع تضمین برابر آئین نامه تضمین معاملات دولتی مصوب ۹۴/۹/۲۲
مهلت دریافت اسناد مناقصه و ارزیابی کیفی و HSE: تا ساعت ۱۸ روز ۱۳۹۹/۱۰/۲۷
قابل برداشت از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir
مهلت ارسال اسناد مناقصه و ارزیابی کیفی و HSE تا ساعت ۱۴ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۱ کلیه پاکات می بایست در سامانه ستاد به آدرس فوق بارگذاری گردد . همچنین پاکت الف می‌بایست به صورت فیزیکی تحویل دبیرخانه کمیسیون مناقصات گردد . در صورت عدم بارگذاری در سامانه ستاد تحویل پاکات فیزیکی به هیچ عنوان میسر نمی باشد .
ساعت و تاریخ و محل جلسه توجیهی: ساعت ۱۰ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۵ در سالن جلسات ناحیه ماهشهر به آدرس ماهشهر - خیابان آب - بالاتر از پل معلم - شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه آبادان ناحیه ماهشهر (بازدید از محل تاسیسات انبار نفت ماهشهر از صبح روز یاد شده تا قبل از جلسه توجیهی و با هماهنگی دفتر ناحیه ماهشهر به شماره تلفن ۵۲۳۴۲۳۲۱ -۰۶۱ امکان پذیر می باشد .)
ساعت و تاریخ و محل جلسه گشایش پاکات: ساعت ۱۰ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۰ در سالن جلسات ستاد منطقه به آدرس آبادان - بریم - شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه آبادان
نوبت اول: ۹۹/۱۰/۱۷ نوبت دوم: ۹۹/۱۰/۲۰
شرایط عمومی مناقصه گران: ۱- ارائه اساسنامه و آخرین آگهی تغییرات
۲- ارائه حداقل رتبه ۵ برق یا نفت و گاز از سازمان مدیریت برنامه ریزی کشور
۳- ارائه گواهی صلاحیت معتبر ایمنی از اداره کل کار و تعاون استان همراه با اسناد مناقصه
۴- تکمیل کتابچه ارزیابی کیفی و کلیه مستندات مربوطه
۵- ارائه گواهی امضا صادر شده از دفاتر اسناد رسمی برای اعضا مجاز به امضا اسناد تعه